

فعالین کمونیست !

دوستان و رفقا

هسته اقلیت بعنوان یکی از نیروهای موسس اتحاد چپ کارگری ناچار است شکست این اتحاد را اعلام نماید . از اینجا که علی‌رغم شکست این تجربه کماکان ضرورت همکاری و اتحاد میان سوسیالیستهای انقلابی به قوت خود باقی است لذا بررسی این تجربه از همکاری میان نیروهای چپ از اهمیت شایانی برخوردار است . ما ضمن آنکه بطور خلاصه تجربیات مثبت و منفی خود را از این تجربه در اینجا طرح می کنیم مقالات توضیحی را که مبنای تصمیم ما را در رابطه با این اتحاد توضیح میدهند به ضمیمه منتشر می کنیم تا در حد خود کمکی به اتحادهای اتی باشد . قبل از آنکه علل این شکست را بررسی کنیم باید بر علل و ضرورتهای ایجاد آن مکث کنیم . آنچه که همکاری سوسیالیستها را ضروری میکند اساسا مبتنی بر پاسخ به مسائل زیر است .

۱ - «بحران جنبش کمونیستی (با هر تعبیری) و عقب ماندگی جنبش کارگری از حرکت سرمایه در سطح جهانی بعلاوه شکست و از هم گسیختگی جنبش «چپ» ایران و... ضرورت یک بازبینی نظری ، سیاسی ، تشکیلاتی و سبک کاری را ایجاب میکند . هرچند این پروسه بازنگری به نحوی اجباری آغاز شده ، اما جنبش کمونیستی ایران و گروهبندی هایش همچنان و عمدتا بیانگر بحران و بیانگر گروهبندیهای تاریخی سپری شده دیروزاند و نه جنبش و جریانهای برآمده از دل یک پروسه بازنگری اثباتی به بحران ها و شکست ها و لذا بیانگر نقد اثباتی سرمایه فی الحال موجود .

۲ - ضرورت تفوق بر بحران از طریق تحول کیفی «چپ سوسیالیستی» در راستای سامانیابی نوینی که قادر باشد به یک جنبش قدرتمند اجتماعی ، جنبشی از موضع سوسیالیستی طبقه کارگر متحول شود .

۳ - پس دو مقوله - مستقل و در عین حال به هم پیوسته مطرح میشود : ضرورت همکاری و همیاری کلیه فعالین چپ سوسیالیستی - کارگری به منظور تسهیل پروسه بازبینی و باز سازی و در عین حال نیز همگرایی گرایشهای نظری سیاسی از یک جوهر در جهت شکلبندی به گروهبندیهای جدید و مجموعا در راستای سامانیابی نوین جنبش کمونیستی به مثابه یک جنبش اجتماعی و نه جنبش فرقه های «کمونیستی» \*\*\*

بر این مبنا ها ست که هسته اقلیت در پروژه های همکاری شرکت میکند . پروژه اتحاد چپ علی‌رغم همه ضعفهایش میتواندست و قراربود سامانه ای نسبتا مناسب برای پاسخ به این ضرورتها باشد . اما ان عواملی که باعث شد این اتحاد شکست خورده و از ریل اصلی اش خارج شودرا میتوان چنین جمع بندی نمود .

۱ - چگونگی شکل گیری ان !

از مدتها قبل همیاری و همکاری سوسیالیستها برای غلبه بر تشتت و مقابله با بحران و یافتن راه حلهای مناسب به شکل برگزاری سمینار ها یی در کشورهای مختلف از جمله المان خود را نشان داده بود . این حرکت از پایین به شدت فعالین منفرد سوسیالیست و فعالین تشکیلاتی را در گیر پاسخ یابی نسبت به باز سازی چپ انقلابی سوسیالیست نمود . در گرماگرم این مباحث سازمان راه کارگر که خود از شرکت کنندگان این سمینار ها بود با بهره گیری از زمینه های ایجاد شده و بر فراز سر سمینارها اقدام به انتشار فراخوانی به سازمانهای سیاسی جهت تشکیل اتحاد چپ نمود . این اقدام فرقه گرایانه و از بالا منجر به خاتمه اقدامات جمعی شد که توسط سمینارها و از پایین در حال شکل گیری بود . از سوی دیگر برخی از سازمانها ی تاثیر گذار نیز به دلایل فرقه ای از شرکت در این اتحاد خودداری نمودند . لذا نسبت به شور و شوقی که وجود داشت دامنه اتحاد هرچه محدود تر شد

۲ - قبل از آنکه مضمون و پلتفرمش روشن شود اعلام موجودیت نمود . به این خاطر مدتها مضمون فعالیت و نیروهای این اتحاد در ابهام بود . تحت عنوان گریز از بحث های طولانی اما هرکس روایت خود را معتبر میدانست و اتحاد را به

سبک خود تعریف میکرد تا آنکه بعد از سالها بالاخره پلاتفرمی مناسب تر تصویب شد . پلاتفرم اصولاً نمی تواند تضمینی برای هم نظریهها باشد اگر خود محصول باورهای عمومی و تا آنجا که واقعی است نباشد از اینرو پلاتفرم هم معضل ماهیت اتحاد چپ را روشن نکرد . پلاتفرم اگرچه بدیل را سرنگونی انقلابی و ایجاد دولت کارگری و سوسیالیسم میدانست اما در عمل اتحاد چپ در سطح دموکراسی طلبی عام متوقف و حتی به علت گرایشها نا همخوان درونیش در مقابل حوادث مهمی مثل انتخابات مجلس و جناح بندیهای رژیم ناتوان از موضع گیری بود .

۳ - معضلات ذکر شده باعث دامن گرفتن بی افقی نسبت به آینده حرکت و کاهش فعالیتها در همان حد که بود شد . طرح واحد های خود سامان که با تاخیر انجام شده بود عقیم ماند و بر «وزنه» عملکرد کمیته هماهنگی مداوما افزوده شد . فزاید این روند کار را به جایی کشانید که در وجه غالب کمیته هماهنگی عملاً به مثابه تنها ارگان واقعا موجود و نماینده و مظهر «کلیت اتحاد» نقش و عملکرد یافت . عملکردی نمایشی در اعلام حضور . این حضور کاغذی هم حتی در حد اعلامیه ای اش در برخی مسائل مهم میسر نبود .

۴ - تغییر شرایط مبارزه سیاسی در ایران بسیاری را چرخاند یا مستمسکی برای چرخیدن به دست داد . این چرخش به سوی دموکراسی طلبی عام از یکسو و انفعال بسیاری از نیروهای اتحاد باعث شد که وجه غالب بر اتحاد چپ از ریل قابل تصور اولیه اش خارج شود . شعار زنده باد جنبش مسلط عملاً جایگزین شعار سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی ، زنده باد دولت کارگری و زنده باد سوسیالیسم شد .

ناگفته پیداست که دیگر چنین محتوی و عملکردی که نمایندگی انرا راه کارگر بعهده داشت ( تنها راه کارگر نبود ) توان پاسخ به ضرورتهایی را که منشا اولیه اش بودند نداشت و نه تنها نمی توانست به پراکندگی کمونیستها پایان دهد بلکه کمونیستهای پیوسته را نیز منفعل میکرد و بدینسان پایان یک تجربه و شکست ان در شرایطی تحقق می یابد که ضرورتهای اولیه همچنان به قوت خود باقی است .

نکات مثبت این تلاش که وسیعترین تلاش چپ خارج از کشور بود برای همکاری و پاسخ به معضلات جنبش کارگری - کمونیستی کم نیستند که عمده ترینش کسب یک تجربه در جنبش کمونیستی ایران است . تجربه ای که درسهای فراوان برای اتحاد های آینده دارد . طرح دولت کارگری و سوسیالیسم بعنوان بدیل جمهوری اسلامی و واحد های خود سامان و خودگردان محلی و قبول وجود بحران در جنبش کمونیستی جهانی و خم شدن روی راه های برون رفت از ان در عمل و نظر به نحوی توامان و امضا بخش بزرگی از کمونیستهای ایرانی زیر این عناوین با هر تعبیری قدمی است به جلو در جهت جمع بندیهای آینده جنبش کمونیستی از برنامه های خویش . اگر چه عمده ترین دلیل شکست این تجربه نیز تناقض عمل و سبک کار با این مواضع اعلام شده است .

یقیناً پایان این تجربه برای ما نمی تواند بدون نقد هسته اقلیت از خویش در این رابطه کامل شود زیرا پا فشاری ما بر موازین انقلابی کافی نبود بر رسی این نقد یکی از موضوعات نشست اتی ما خواهد بود .

زنده باد همکاری و همبستگی برای آزادی ، سوسیالیسم و دولت کارگری به عنوان بدیل جمهوری اسلامی

«هسته اقلیت» دسامبر ۲۰۰۰

\*\*\* نقل قول ها و محور بیانیه بر اساس مقاله ای از رفیق صابری تنظیم شده است که برای توضیح هر چه روشنتر به ضمیمه ارسال میشود .

